**بسم الله الرحمن الرحيم**

**احكام نذر طبق نظر 13 نفر از مراجع معظم تقلید**

مسأله 2640- نذر آن است كه انسان ملتزم شود (1) كه كار خيري را براي خدا بجا آورد ، يا كاري را كه نكردن آن بهتر است براي خدا ترك نمايد.

**1- فاضل،سيستاني، صافي، نوري، مظاهری: انسان بر خود واجب كند...**

**بهجت: مسأله- انسان مي تواند با نذر كردن، انجام كاري كه مطلوب شارع است و يا ترك كاري را كه مورد نهي واقع شده بر خود واجب كند.**

**مكارم: مسأله- نذر آن است كه كار خيري را براي خدا بر عهده خود قرار دهد، يا ترك كاري كه نكردن آن بهتر است.**

**زنجاني: مسأله- نذر آن است كه انسان براي خدا چيزي را در عهده خود قرار دهد و آن چيز مي تواند انجام يا ترك كاري باشد.**

**سبحانی: مسأله- نذر آن است كه انسان براى خدا چيزى را بر خودقرار دهد مثلاً كارى را انجام دهد يا ترك كند.**

 **(مسأله 2641)در نذر بايد صيغه خوانده شود1 و لازم نيست آن را به عربي بخوانند ، پس اگر بگويد چنانچه مريض من خوب شود ، براي خدا بر من است2 كه ده تومان به فقير بدهم ، نذر او صحيح است3.**

**1-فاضل: و اگر صيغه نذر خوانده نشود، نذر منعقد نمي شود و چيزي واجب نمي شود...**

**2-صافي: اگر بگويد از براي خدا بر من، يا بر عهده من يا بر ذمّه من است كه اگر مريض من خوب شود...**

**3-فاضل: و بايد «براي خدا» به زبان گفته شود و قصد آن در دل كافي نيست.**

**سيستاني: و اگر بگويد براي خدا نذر كرده ام چنين كنم، بنابر حتياط واجب بايد عمل كند ولي اگر نام خدا را نبرد و فقط بگويد نذر كردم يا نام يكي از اولياي خدا را ببرد نذر صحيح است و كفّاره وفا نكردن به نذر مانند كفّاره مخالفت قسم است.**

**مكارم: مسأله- نذر در صورتي صحيح است كه براي آن صيغه خوانده شود، خواه به عربي باشد يا به زبانهاي ديگر. بنابراين اگر بگويد چنانچه فلان حاجت من روا شود، براي خدا بر من است كه فلان مقدار مال را به فقير بدهم نذر او صحيح است، بلكه اگر بگويد نذر مي كنم براي خدا اگر فلان حاجت من روا شود، فلان كار خير را انجام دهم، كافي است.**

**بهجت: مسأله- كسي كه نذر مي كند، بايد به قصد قربت و نزديك شدن به خداوند متعال نذر كند، بنابراين اگر براي خدا نذر نكند، صحيح نيست، بنابراين كافي است موقع نذر كردن بنابر أظهر بگويد «لله عليّ» يعني: «براي خداوند، به عهده من باشد كه فلان كار را انجام دهم» و اگر كسي كه عربي نمي داند ترجمه آن را به هر زباني بگويد كافي است.**

**زنجاني: مسأله- نذر نيازمند صيغه است، و در صيغه نذر بايد نام خداوند به زبان جاري گردد، ولي ساير اجزاء صيغه لازم نيست با لفظ باشد، بلكه مي تواند با نوشتار يا انجام كاري باشد، همچنين لازم نيست نام خدا به لفظ عربي برده شود پس اگر مثلاً بگويد چنانچه مريض من خوب شود، براي خدا بر من است كه هزار تومان به فقير بدهم نذر او صحيح است.**

**مظاهری: مسأله- نذر بايد با زبان گفته شود و قصد آن در دل كافى نيست و لازم نيست آن را به عربى بگويد، و اگر بگويد چنانچه مريض من خوب شود هزار تومان به فقير مى‏دهم نذر او صحيح است.**

**(مسأله 2642)نذر كننده بايد ملكّف و عاقل باشد1 و به اختيار و قصد خود نذر كند2، بنابراين نذر كردن كسي كه او را مجبور كرده اند، يا بواسطه عصباني شدن، بي اختيار3 نذر كرده صحيح نيست4.**

**1- سيستاني، مکارم: بالغ و عاقل باشد...**

**مظاهری: نذر كننده بايد مكلّف و رشيد باشد و آن كار براى او مقدور باشد...**

**2- صافي: به اختيار خود نذر كند...**

**سبحانی: بنابراين نذر كردن كسى كه بى اختيار نذر كرده صحيحنيست.**

**3- سيستاني: بي قصديا بي اختيار...**

**4- مظاهری: و همچنين سفيه و كسى كه حاكم شرع او را از تصرّف در اموالش منع كرده است نذرهاى مربوط به اموالشان صحيح نيست.**

**بهجت: مسأله- كسي كه نذر مي كند بايد عاقل، بالغ و مسلمان باشد، بنابراين نذر از غير بالغ و ديوانه، يا كافر صحيح نيست، كسي كه نذر مي كند بايد به اختيار خود نذر كند، بنابراين اگر كسي مجبور شده باشد، يا عصباني باشد به طوري كه بي اختيار شده باشد، يا كسي در حال غفلت و بي توجّهي يا اشتباهي و بدون تصميم نذر كند، نذر او صحيح نيست.**

**زنجاني: مسأله- نذر كننده بايد مميّز و عاقل باشد و با قصد و اختيار خود نذر كند، بنابراين نذر كردن كسي كه او را مجبور كرده اند يا به واسطه عصباني شدن –مثلاً- بي قصد يا بي اختيار نذر كرده صحيح نيست، ولي اگر شخصي كه او را به نذر كردن مجبور كرده اند بعداً نذر را اجازه دهد، ظاهراً نذر صحيح خواهد بود، نذر مفلّس درباره اموالي كه از تصرّف در آنها منع شده، بدون اذن يا اجازه طلبكاران و نذر طفل مميّز بدون اذن يا اجازه وليّ وي باطل است ولي اگر طلبكاران يا وليّ طفل اذن داده يا بعداً نذر را اجازه دهند صحيح خواهد بود.**

**وحید: مسأله- نذر كننده باید بالغ و عاقل باشد و با قصد و اختیار خود نذر كند ، بنابراین كسى كه به واسطه عصبانى شدن بى اختیار نذر كرده یا او را بر نذر اكراه كرده باشند نذر او صحیح نیست.**

 **(مسأله 2644) نذر زن بي اجازه شوهرش باطل است .**

**صافی: مسأله- اگر شوهر از نذر كردن زن جلوگيري نمايد و يا زن بدون اجازه شوهر نذر كند، نذر او باطل است.**

**.وحید: بلكه بدون اذن شوهر در این صورت نذر زن باطل است ، و صحّت نذر زن در مال خودش بدون اذن شوهر ـ در غیر حجّ یا زكات یا احسان به پدر و مادر یا صله ارحام ـ محلّ اشكال است.**

**مکارم: مسأله- نذر زن اگر مزاحم حقوق شوهر باشد، بي اجازه او باطل است و اگر مزاحم نباشد احتياط مستحبّ آن است كه با اجازه او باشد.**

**بهجت: مسأله- نذر زن بدون اجازه شوهر بنابراحتياط واجب وضعاً منعقد مي شود.**

**سيستاني: مسأله- نذر زن بدون اذن قبلي يا اجازه بعدي شوهر در آنچه با حقّ استمتاع او منافات دارد، صحيح نيست حتي اگر قبل از ازدواج نذر كرده باشد، و صحت نذر زن در اموالش بدون اجازه شوهر محلّ اشكال است، پس بايد رعايت احتياط شود، مگر در حجّ و زكات و صدقه و احسان به پدر و مادر و صله ارحام.**

**زنجاني: مسأله- بنابر مشهور نذر زن با نهي شوهر، بلكه بي اذن او صحيح نيست، و ظاهراً با اجازه بعدي صحيح مي شود، ولي بنابراحتياط حتّي در صورت نهي شوهر به نذر عمل شود.**

**سبحانی:مسأله- نذر زن در صورتى كه با حقوق شوهر منافى باشد صحيحنيست و اگر در چنين مورد با اذن او نذر كرد، شوهر نمى تواند از انجام آن ممانعتكند.**

**مظاهری: مسأله- نذر زن احتياج به اجازه شوهر ندارد و همچنين نذر فرزند احتياج به اجازه پدر و مادر ندارد ولى اگر مزاحم حقوق شوهر شد يا مايه آزار پدر يا مادر شد، نذر آنها باطل مى‏شود حتّى اگر آنها قبلاً اجازه داده باشند.**

**(مسأله 2645)اگر زن با اجازه شوهر1 نذر كند شوهرش نمي تواند2 نذر او را به هم بزند، يا او را از عمل كردن به نذر جلوگيري نمايد3.**

**1- مكارم: در جايي كه احتياج به اجازه شوهر دارد...**

**2- مكارم: بنابراحتياط واجب...**

**زنجاني: مگر زن عملي را نذر كرده كه انجام آن بدون اذن شوهر جايز نيست، در اين صورت شوهر مي تواند در هنگام عمل اجازه انجام آن را ندهد، در نتيجه عمل به نذر لازم نخواهد بود هر چند در هنگام نذر اجازه داده باشد.**

 **(مسأله 2646)هرگاه فرزند نذري كند اگر چه بدون اجازه پدر هم باشد بايد به آن نذر عمل نمايد1.**

**1-   فاضل: و چنانچه بعد از نذر، پدر او را منع كند وفاء به نذر لازم نيست .**

**مظاهری: رجوع کنید به ذیل مسأله 2644.**

**صافي: مسأله- اگر فرزند با اجازه پدر نذر كند، بايد به آن نذر عمل نمايد، بلكه اگر بدون اجازه او هم نذر كند، عمل كردن به آن نذر واجب است ولي اگر پدر از كاري منع كرده باشد و يا بعد از نذر از آن كار منع كند، آن نذر صحيح نيست.**

**نوري: مسأله- اگر فرزند بدون اجازه پدر يا با اجازه او نذر كند، بايد به آن نذر عمل نمايد ولي اگر پدر از عملي كه نذر كرده منعش كند، نذرش منحل مي شود.**

**.وحید: نذر او صحیح نیست .**

**مكارم: مسأله- نذر فرزند، احتياجي به اجازه پدر ندارد، مگر اينكه كار او مايه آزار پدر باشد كه در اين صورت، نذر او صحيح نيست.**

**سيستاني: مسأله- در نذر فرزند، اجازه پدر شرط نيست، ولي اگر پدر يا مادر از عملي كه نذر آن را كرده است منعش كنند –اگر نهي آنها از روي شفقت باشد و مخالفت موجب ايذاء آنها باشد- نذرش باطل مي شود.**

**زنجاني: مسأله- اگر فرزند با اجازه پدر نذر كند، بايد به آن نذر عمل نمايد، بلكه بنابر احتياط اگر بدون اذن او نذر كند، بكله اگر با نهي پدر نذر كند، عمل به آن نذر بنمايد.**

**سبحانی: مسأله-هر گاه فرزند نذرى كند بدون اين كه به پدر خبردهد، بايد به آن نذر عمل نمايد.**

**(مسأله 2647)انسان كاري را مي تواند نذر كند كه انجام آن برايش ممكن باشد، بنابراين كسي كه نمي تواند پياده كربلا برود، اگر نذر كند كه پياده برود، نذر او صحيح نيست1.**

**1- زنجاني: ولي اگر نذر كند كه روزه اي بگيرد و بدون پيش بيني قبلي از انجام آن عاجز شود، بايد آن را قضا كند و اگر ممكن نشد به مقدار يك مدّ طعام (مدّ صاع است كه مقدار آن در مسأله [1864] و [1991] بررسي شد) به فقير صدقه بدهد.**

**سيستاني: مسأله- انسان كاري را مي تواند نذر كند كه انجام آن مقدور باشد، بنابراين كسي كه مثلاً نمي تواند پياده كربلا برود، اگر نذر كند كه پياده برود، نذر او صحيح نيست، و اگر در وقت نذر، مقدور باشد و بعداً عاجز شود، نذر باطل مي شود و چيزي بر او نيست بجز در موردي  که نذر روزه کند که اگر از انجام ان عاجز شد احتیاط واجب آن است که یا به جای هر روز 750 گرم غذا به فقيري صدقه بدهد يا 5/1 كيلو به كسي بدهد كه بجاي او آن روزه را بگيرد.**

**بهجت: مسأله- بايد به آنچه كه نذر كرده قدرت و توانايي داشته باشد، بنابراين اگر به چيزي عقلاً يا عادتاً قدرت نداشت و نذر كرد، صحيح نيست.**

**مكارم: مسأله- نذر در مورد كارهايي صحيح است كه انجام آن ممكن باشد.**

**(مسأله 2648)اگر نذر كند كه كار حرام يا مكروهي را انجام دهد، يا كار واجب يا مستحبّي راترك كند، نذر او صحيح نيست1.**

**1- زنجاني: ولي اگر نذر كند يك سال يا هر روز جمعه را مثلاً روزه بگيرد روزهايي را كه روزه در آن صحيح نيست یا مکروه بايد قضا نمايد و اگر نتواند براي هر روز به مقدار يك مدّ طعام به فقيرصدقه دهد.**

**مكارم: مسأله- كاري را كه انسان نذر مي كند، بايد شرعاً مطلوب باشد، بنابراين نذر كار حرام، يا مكروه، يا ترك واجب و مستحبّ، صحيح نيست.**

**بهجت: مسأله- اگر نذر كند كاري را انجام دهد، بايد بنابرأقرب، آن كار واجب يا مستحبّ باشد، پس اگر نذر كند كار مباحي انجام دهد، صحيح نيست، و اگر نذر كند كاري را ترك كند، بايد آن كار حرام يا مكروه باشد.**

 **(مسأله 2649)اگر نذر كند كه كار مباحي را انجام دهد يا ترك نمايد، چنانچه بجا آوردن آن و تركش1 از هر جهت مساوي باشد، نذر او صحيح نيست و اگر انجام آن از جهتي2 بهتر باشد و انسان به قصد همان جهت نذر كند، مثلاً نذر كند غذايي را بخورد كه براي عبادت قوّت بگيرد نذر او صحيح است. و نيز اگر ترك آن از جهتي3 بهتر باشد و انسان براي همان جهت نذر كند كه آن را ترك نمايد مثلاً براي اين كه دود مضرّ است4 نذر كند كه آن را استعمال نكند، نذر او صحيح مي باشد5.**

**1 و 2 و 3- سیستانی: شرعاً...**

**4- فاضل: مثلاً براي اين كه سيگار مضرّ است...**

**سيستاني: مثلا برای اینکه دود مضر و مانع انجام وظائف شرعی به نحو احسن است...**

**وحید: مثلا برای آنکه دخانیات مضر است...**

**5- سیستانی: ولي اگر بعداً ترك استعمال دود براي او ضرر داشته باشد نذر او باطل مي شود.**

**مكارم: مسأله- كار مباحي كه انجام و ترك آن از هر جهت مساوي است، نذر انجام آن صحيح نيست، ولي اگر انجام يا ترك آن، از جهتي بهتر باشد و به همان منظور نذر كند صحيح است، مثلاً نذر كند غذايي بخورد كه براي عبادت قوّت بگيرد يا غذايي كه مايه سستي بدن او براي انجام عبادت مي شود، ترك نمايد.**

**زنجاني: مسأله- اگر نذر كند كه كار مباحي را انجام دهد يا ترك نمايد، چنانچه بجا آوردن آن  و ترکش از هر جهت مساوی باشد بنابراحتیاط واجب باید به نذرش عمل کند و اگر انجام آن از جهتي بهتر باشد بي ترديد نذر انجام ان صحيح است، بنابراين اگر كاري را نذر كند كه ذاتاً انجام دادن و ترك آن يكسان است ولي عمل به نذر مقدمه اي است براي واجب يا مستحبّ و نذر كننده با عمل به نذر به واجب يا مستحبّي عمل خواهد نمود، بي اشكال نذر او صحيح است، هر چند به قصد انجام كار خوب نذر نكرده باشد، بنابراين اگر خوردن غذايي را نذر كند كه سبب قوّت گرفتن براي عبادت مي شود و نذر كننده با خوردن غذا، عبادت خواهد كرد نذر او صحيح است.**

**سبحانی: مسأله- نذر در صورتى صحيح است كه انجام و يا ترك فعلى كهبه عهده گرفته، رجحان داشته باشد و همچنين نذر كارى كه فعل و ترك آن مساوى است صحيحنيست.**

**مظاهری: مسأله- اگر نذر كند كه كار مباحى را انجام دهد يا ترك نمايد، اگر انجام آن از جهتى بهتر باشد مثلاً نذر كند در اطاق خلوتى نماز بخواند چون حضور قلب پيدا مى‏كند، نذر او صحيح است و نيز اگر ترك آن از جهتى بهتر باشد مثلاً براى اينكه دود مضر است نذر كند كه آن را استعمال نكند نذر او صحيح مى‏باشد.**

**(مسأله 2650)اگر نذر كند نماز واجب1 خود را در جايي بخواند كه به خودي خود ثواب نماز در آنجا زياد نيست مثلاً نذر كند نماز را در اطاق بخواند، چنانچه خواندن در آنجا از جهتي2 بهتر باشد مثلاً بواسطه اين كه خلوت است انسان حضور قلب پيدا مي كند، نذر صحيح است3.**

**1- زنجاني: يا مستحبّ...**

**2- سيستاني: شرعاً...**

**3- زنجاني: بلكه بنابر احتياط واجب اگر آنجا هيچ امتيازي هم نداشته باشد بايد به نذر عمل شود مگر نماز خواندن در آن محلّ از جهتي ناپسند باشد كه نذر صحيح نيست.**

**سيستاني: اگر نذر او براي آن جهت باشد صحيح است.**

**وحید: نذر او به آن جهت صحیح است.**

**مکارم، مظاهری: رجوع کنید به ذیل مسأله 2649.**

**(مسأله 2651)اگر نذر كند عملي را انجام دهد، بايد همان طور كه نذر كرده بجا آورد1 پس اگر نذر كند كه روز اوّل ماه صدقه بدهد، يا روزه بگيرد، (يا نماز اوّل ماه بخواند2) چنانچه قبل از آن روز يا بعد از آن بجا آورد كفايت نمي كند. و نيز اگر نذر كند كه وقتي مريض او خوب شد صدقه بدهد، چنانچه پيش از آن كه خوب شود صدقه را بدهد كافي نيست.**

**1- مظاهری: پس اگر نذر كند كه وقتى مريض او خوب شد صدقه بدهد، چنانچه پيش از آنكه خوب شود صدقه را بدهد كافى نيست.**

 **(مسأله 2652)اگر نذر كند روزه بگيرد ولي وقت و مقدار آن را معين نكند چنانچه يك روز روزه بگيرد كافي است، و اگر نذر كند نماز بخواند و مقدار و خصوصيات آن را معين نكند اگر يك نماز دو ركعتي بخواند1 كفايت مي كند2 و اگر نذر كند صدقه بدهد و جنس و مقدار آن را معين نكند، اگر چيزي بدهد كه بگويند صدقه داده، به نذر عمل كرده است و اگر نذر كند كاري براي خدا بجا آورد، در صورتي كه يك نماز بخواند يا يك  روز روزه بگيرد، يا چيزي صدقه بدهد، نذر خود را انجام داده است.**

**1- سيستاني: يا نماز وتر را بخواند...**

**2-مكارم: [و] نذر ساير كارهاي خير نيز همين گونه است. [پايان مسأله]**

**مظاهری: مسأله- هرگاه نذر كند كار خيرى را انجام دهد ولى وقت و مقدار آن را معيّن نكند، مثلاً نذر كند كه نماز بخواند و مقدار و خصوصيات آن را معيّن نكند خواندن يك نماز دو ركعتى كافى است.**

**(مسأله 2653)اگر نذر كند روز معيني را روزه بگيرد، بايد همان روز را روزه بگيرد1 و چنانچه در آن روز مسافرت كند قضاي آن روز بر او واجب است.**

**1- سبحانی:و تا ناچار نباشد مسافرت نكند و چنانچه در آن روز براى ضرورت مسافرت كند، قضاى آن روز را بگيرد و كفّاره ندارد.**

**اراكي، گلپایگانی، زنجانی، صافی: مسأله- اگر نذر كند روز معيني را روزه بگيرد (گلپایگانی، زنجانی: باید همان روز را روزه بگیرد) نمي تواند در آن روز مسافرت كند و اگربواسطه مسافرت روزه نگيرد، بايد گذشته از قضاي آن روز كفّاره هم بدهد.  (گلپایگانی: یعنی یک بنده آزاد کند یا به شصت فقیر طعام دهد یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد) ولي اگر ناچار شود كه مسافرت كند يا عذر ديگري مثل مرض يا حيض براي او پيش آيد، قضاي تنها كافي است.**

**.صافی: و احوط در کفاره نذر برای عاجز از آزاد کردن بنده اطعام شصت مسکین است و اگر از آن عاجز بود جمع بین پوشاندن ده فقیر و دو ماه پی در پی روزه است و با عجز از پوشاندن ده فقیر اکتفا به دو ماه روزه نماید.**

**\*زنجانی: و اگر در آن روز ناچار شود که مسافرت کند و نتواند درسفر روزه بگیرد...**

**فاضل، وحید، سیستانی: مسأله- اگر نذر كند روز معيني را روزه بگيرد، بايد همان روز را روزه بگيرد و در صورتي كه عمداً روزه نگيرد بايد گذشته از قضاي آن روز كفّاره هم بدهد. (و أظهر اين است كه كفّاره اش كفّاره مخالفت يمين است چنان كه خواهد آمد) ولي در آن روز اختياراً مي تواند مسافرت كند و روزه را نگيرد و چنانچه در سفر باشد، لازم نيست قصد اقامه كرده و روزه بگيرد و در صورتي كه از جهت سفر يا از جهت عذر ديگري مثل مرض يا حيض روزه نگيرد، لازم است روزه را قضا كند ..**

**. فاضل: و اگر در آن روز عذري داشت كه نمي توانست روزه بگيرد، مثلاً حائض بود يا بيمار بود، آن روز را روزه نگيرد و تنها قضاي آن را بگيرد و كفّاره ندارد. و همين طور مي تواند در آن روز مسافرت كند، هر چند ناچار به آن مسافرت نباشد، ولي بعداً بايد آن را قضا نمايد و كفّاره ندارد.**

**وحید: کفاره اش کفاره مخالفت قسم است چنانچه در مسأله [2670]خواهد آمد...**

**. سيستاني: ولي كفّاره ندارد.**

**. وحید:  وهمچنین بنابراحتیاط واجب اگر از جهت حیض روزه نگیرد و در هر صورت كفّاره ندارد.**

**مكارم: مسأله- هرگاه نذر كند روز معيني را روزه بگيرد، احتياط واجب آن است كه آن روز سفر نكند تا بتواند روزه خود را بجا آورد و چنانچه در آن روز مسافرت كند، قضاي آن روز بر او واجب است و احتياط واجب آن است كه كفّاره نيز بدهد.**

**مظاهری: مسأله- اگر نذر كند روز معيّنى را روزه بگيرد و بدون عذر در آن روز مسافرت كند روزه آن روز بر او واجب نيست و قضا و كفّاره نيز ندارد و همچنين است اگر عذرى براى او پيدا شود مثل اينكه مريض شود يا زن حيض شود.**

**(مسأله 2654)اگر انسان از روي اختيار به نذر خود عمل نكند بايد كفّاره بدهد1 يعني يك بنده آزاد كند يا به شصت فقير طعام دهد يا دو ماه پي در پي روزه بگيرد.**

**1- خوئي، تبريزي، سيستاني، وحید: [پایان مسأله].**

**گلپايگاني، صافي: بايد به مقداري كه در مسأله پيش گفته شد كفّاره بدهد.**

**بهجت: و كفاره آن بنابر أظهر كفّاره قسم و بنابراحتياط مستحبّ كفاره افطار عمدي روزه ماه رمضان است.**

**زنجانی: کفاره آن مانند کفاره افطار روزه ماه رمضان است پس باید به مقداری که در مسأله [2653] گفته شد کفاره بدهد.**

**مکارم: مسأله- اگر کسی از روی اختیار به نذر خود عمل نکند گناه کبیره کرده و باید کفاره بدهد و کفاره نذر عبارت است از اطعام شصت فقیر یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن (یعنی سی و یک روز آن را پشت سر هم بجا آورد) یا یک بنده آزاد کردن و در زمان ما که بنده آزاد کردن موضوع ندارد در میان دو چیز دیگر مخیر است.**

**مظاهری: مسأله- اگر انسان بدون عذر به نذر خود عمل نكند بايد كفّاره بدهد و كفّاره آن كفّاره قسم است ) ده فقير را سير نمايد يا بپوشاند و اگر نتواند بايد سه روز روزه بگيرد( مگر آنكه براى تخلّف نذر، كفّاره‏اى معيّن كند كه در صورت تخلّف همان چيز بر او واجب مى‏شود.**

**(مسأله 2655)اگر نذر كند كه تا وقت معيّني عملي را ترك كند، بعد از گذشتن آن وقت مي تواند آن عمل را بجا آورد و اگر پيش از گذشتن وقت از روي فراموشي يا ناچاري1 انجام دهد، چيزي بر او واجب نيست ولي باز هم لازم است كه تا آن وقت آن عمل را بجا نياورد و چنانچه (دوباره پيش از رسيدن آن وقت2) بدون عذر آن عمل را انجام دهد، بايد به مقداري كه در مسأله پيش گفته شد كفّاره بدهد3.**

**1- مكارم: از روي فراموشي يا اجبار...**

**2- [قسمت داخل پرانتز در رساله آيت الله مكارم نيست]**

**3- خوئي، تبريزي، سيستاني، وحید: بايد كفّاره بدهد.**

**گلپايگاني، صافي: بايد به مقداري كه درمسأله[2653] گفته شد كفّاره بدهد.**

**زنجاني: مسأله- اگر نذر كند كه تا وقت معيّني عملي را ترك كند کفاره آن مانند کفاره افطار روزه ماه رمضان است ، پس بعد از گذشتن آن وقت مي تواند آن عمل را بجا آورد و اگر پيش از گذشتن وقت از روي عمد يا عذر انجام دهد چنانچه ديگر هدفي از نذر براي ترك آن عمل در بقیه زمان  نباشد، لازم نيست در بقيّه مدّت آن را ترك نمايد و اگر هدف از نذر ترك هنوز باقي باشد، بنابر احتياط بايد تا آخر وقت تعيين شده آن عمل را بجا نياورد، و چنانچه دوباره پيش از رسيدن آن وقت بدون عذر آن عمل را انجام دهد، بايد به مقداري كه در دو مسأله پيش گفته شد كفّاره بدهد، و در اين فرض اگر از اوّل بي عذر انجام داده باشد بی تردید باید  كفّاره دهد که بنابر احتياط متعدّد است.**

**(مسأله 2656)كسي كه نذر كرده عملي را ترك كند و وقتي براي آن معين نكرده است، اگر از روي فراموشي، يا ناچاري، يا ندانستن1، آن عمل را انجام دهد كفّاره بر او واجب نيست2. ولي چنانچه از روي اختيار آن را بجا آورد براي دفعه اوّل بايد كفّاره بدهد3.**

**1- اراكي: ندانستن موضوع...**

**خوئي، وحید: فراموشي يا ناچاري يا غفلت...**

**2- گلپايگاني، خوئي، تبريزي، صافي, وحید: ولي بعداً هر وقت از روي اختيار آن را بجا آورد، بايد (گلپايگاني، صافی: به مقداري كه در مسأله [2653]گفته شد) كفّاره بدهد.**

**سيستاني: اگر از روي فراموشي يا ناچاري يا غفلت يا اشتباه، آن عمل را انجام دهد، يا كسي او را مجبور كند يا جاهل قاصر باشد، كفّاره بر او واجب نيست، ولي نذر باقي است، پس اگر بعد از آن از روي اختيار آن را بجا آورد بايدكفّاره بدهد.**

**فاضل: مسأله- كسي كه نذر كرده عملي را مستمراً ترك كند، مثلاً نذر مي كند كه اصلاً سيگار نكشد، اين نذر عرفاً يك نذر محسوب مي شود، لذا اگر يك مرتبه سيگار كشيد، نذر خود را شكسته و بايد كفّاره نذر خود را بدهد و اگر مرتبه ديگر آن را انجام دهد، ربطي به نذر او ندارد. و گاهي اوقات، به نحوي نذر مي كند كه عرفاً چند نذر محسوب مي شود مثل اين كه چند بار نذر كرده باشد، كه در اين صورت براي هر بار كه عمل نكند، بايد يك بار كفّاره بدهد و در آينده نيز رعايت نذر را بكند و اگر ترديد داشته باشد كه نذر او به چه نحوي بوده است، يك نذر محسوب مي شود.**

**زنجاني: مسأله- کسی که نذر کرده عملی را ترک کند وقتی برای آن معین نکرده است هرگاه آن عمل را انجام دهد باید به همان دستوری که در مسأله پیشین گذشت عمل کند**

**مكارم: مسأله- كسي كه نذر كرده عملي را مستمرّاً ترك كند و زماني براي آن معيّن ننموده، چنانچه از روي اختيار آن را بجا آورد براي دفعه اول بايد كفّاره بدهد و اگر نذر او چنان بوده كه هر دفعه از آن عمل، مستقلاً تحت نذر قرار داشته احتياط واجب آن است كه براي هر دفعه كفّاره اي بدهد، امّا اگر چنين قصدي نداشته، يا شك كند قصدش چگونه بوده يك كفّاره بيشتر واجب نيست.**

**مظاهری: مسأله- كسى كه نذر كرده عملى را ترك كند، اگر از روى فراموشى يا ناچارى يا اشتباه آن عمل را انجام دهد كفّاره بر او واجب نيست.**

**(مسأله 2657)اگر نذر كند كه در هر هفته روز معيّني مثلاً روز جمعه را روزه بگيرد چنانچه يكي از جمعه ها عيد فطر يا قربان باشد1 يا درروز جمعه عذر ديگري مانند حيض2 براي او پيدا شود، بايد آن روز را روزه نگيرد و قضاي آن را بجا آورد3.**

**1- بهجت: كه روزه گرفتن در آن حرام است، يا عذري جهت روزه گرفتن دارد، مثلاً حيض براي او پيدا شد، بايد آن روز را روزه نگيرد، بلكه قضاي آن را بجا آورد.**

**2- خوئي، تبريزي، سيستاني: مانند سفر يا حيض...**

**وحید: مانند سفر یا مرض...**

**3- زنجاني: و اگر نتوانست براي هر روز يك مدّ طعام به فقير صدقه بدهد.**

**اراكي، مکارم: و بنابر احتياط (مکارم: احتیاطا) قضای آن را بجا آورد.**

**وحید: و همچنین است بنابراحتیاط واجب اگر از جهت حیض روزه نگیرد.**

**(مسأله 2658)اگر نذر كند كه مقدار معيني صدقه بدهد چنانچه پيش از دادن صدقه بميرد، بايد آن مقدار را از مال او صدقه بدهند1.**

**1- خوئي، فاضل، سيستاني، تبريزي، وحید: لازم نيست آن مقدار را از مال او صدقه بدهند و بهتر اين است (وحید: ولى احتیاط مستحبّ این است) كه بالغين از ورثه، آن مقدار را از حصّه خود از طرف ميّت صدقه بدهند.**

**صافي: احتياط لازم اين است كه كبار ورثه آن مقدار را از سهم خود از مال او صدقه دهند.**

**مظاهری: مسأله- اگر به واسطه نذر چيزى بر ذمّه او آمده باشد و بميرد لازم نيست ورثه آن نذر را ادا كنند گرچه ميّت را برى الذمّه كردن بسيار شايسته است، ولى اگر چيز معيّنى را نذر كرده، بايد ورثه آن را به مصرف نذر برسانند.**

**(مسأله 2659)اگر نذر كند كه به فقير معيني صدقه بدهد، نمي تواند آن را به فقير ديگر بدهد و اگر آن فقير بميرد، بنابر احتياط1 بايد به ورثه او بدهد2.**

**2-سيستاني: لازم نيست آن را به ورثه او بدهد.**

**وحید: احتیاط مستحبّ آن است كه به ورثه او بدهد.**

**(مسأله 2660)اگر نذر كند كه به زيارت يكي از امامان عليهم السلام مثلاً به زيارت حضرت أباعبدالله عليه السلام مشرف شود، چنانچه به زيارت امام ديگر برود كافي نيست و اگر بواسطه عذري نتواند آن امام عليه السلام را زيارت كند، چيزي بر او واجب نيست.**

**(مسأله 2662)اگر براي حرم يكي از امامان يا امامزادگان چيزي نذر كند1 بايد آن را به مصارف حرم برساند2 از قبيل فرش و پرده و روشنايي3 و اگر براي امام عليه السلام يا امامزاده نذر كند مي تواند به خدّامي كه مشغول خدمت هستند بدهد، چنانچه مي تواند به مصارف حرم (يا ساير كارهاي خير به قصد بازگشت ثواب آن به منذور له4) برساند.**

**1- وحید: و مصرف معینى را در نظر نگرفته باشد باید آن را در تعمیر و روشنایى و فرش حرم و مانند اینها مصرف كند.**

**2- مكارم:از قبيل تعميرات و فرش و روشنايي و خدّامي كه مشغول خدمت هستد و مانند آن، ولي اگر چيزي براي خود امام عليه السلام يا امامزاده نذر كرده بي آنكه نام حرم را ببرد، مي تواند علاوه بر اموري كه ذكر شد صرف مجالس عزاداري و سوگواري يا نشر آثار آن بزرگواران، يا كمك به زوّار آنها يا هر كار ديگري كه نسبتي با آنها دارد بكند.**

**گلپايگاني، بهجت، صافي: بايد آن را درتعمير و روشنايي و فرش و حرم و مانند اينها مصرف كند (گلپايگاني، صافي: يا به زوّار و خدّام آنان بدهد).**

**خوئي، تبريزي: بايد آن را بنابر احتياط در تعمير و روشنايي و فرش حرم و مانند اينها مصرف كند.**

**3-اراكي: و تعمير. [پايان مسأله]**

**سبحانی: و در صورت بی نیازی حرم می تواند به خدامی که مشغول خدمت هستند یا به زائران فقیر بدهد.**

**4-[قسمت داخل پرانتز در رساله آيت الله نوري نيست]**

**سيستاني: مسأله- اگر براي حرم يكي از امامان يا امامزادگان نذر كند و مصرف معيّني را در نظر نداشته باشد، بايد آن را در تعمير و روشنايي و فرش حرم و مانند اينها مصرف كند و اگر ممكن نشد يا آن حرم بكلي بي نياز بود، در راه كمك به زوّار مستمند آن حرم مصرف نمايد.**

**زنجاني: مسأله- اگر براي حرم يكي از امامان يا امامزادگان چيزي نذر كند و مصرف معيّني را در نظر نداشته باشد بايد آن را در تعمير و روشنايي و نظافت و فرش حرم و مانند اينها مصرف كند يا به زوّار و خدّام آن مشاهد مشرفه بدهد یا براي سكناي زائران آن مشاهد مصرف كند و اگر اين گونه كارها ممكن نشد، در مورد زائراني كه براي مراجعت به وطن به هزينه اي نيازمندند صرف نمايد.**

**مظاهری: مسأله- اگر براى امام‏عليه السلام يا امامزاده و مانند آن نذر كند، همانگونه كه مى‏تواند به مصارف حرم برساند، مى‏تواند با قصد اينكه براى آن امام‏عليه السلام باشد در مطلق كارهاى خير مصرف كند.**

**(مسأله 2663)اگر براي خود امام عليه السلام چيزي نذر كند1، چنانچه مصرف معيني را قصد كرده بايد به همان مصرف برساند و اگر مصرف معيني را قصد نكرده باید به فقرا و زوّار بدهد3، يا مسجد و مانند آن بسازد و ثواب آن را هديه آن امام نمايد4 و همچنين است اگر چيزي را براي امامزاده اي نذر كند5.**

**1- بهجت: اگر چيزي را براي يكي از امامان عليهم السلام نذر كند...**

**3- فاضل: بايد به فقراي شيعه و زوّار بدهد...**

**سبحانی: باید به زوار فقیر بدهد...**

**4- فاضل: و يا صرف مجالس عزاداري و سوگواري يا نشرآثار آن بزرگوارن يا هر كار ديگري كه نسبتي با آنها دارد بكند...**

**خوئي، تبريزي: اگر مصرف معيّني را قصد نكرده، بهتر آن است كه به مصرفي برساند كه نسبتي با امام عليه السلام داشته باشد، مانند زوّار فقير يا به مصارف حرم آن امام از قبيل تعمير و مانند آن برساند...**

**نوري: اگر مصرف معيني را قصد نكرده، احتياط واجب آن است كه در صورت امكان آن را به مصرفي برساند كه نسبتي به امام عليه السلام داشته باشد مانند زوّار فقير يا به مصارف حرم از قبيل تعمير و خدّام حرم يا عزاداري براي آن امام و مانند آن برساند...**

**5- نوري: و اگر اين امر ممكن نشد به فقرا به عنوان صدقه بدهد يا مسجد و امثال آن بسازد و ثواب آن را هديه آن امام نمايد.**

**وحید: اگر مصرف معینى را قصد نكرده باید به مصرفى برساند كه نسبتى با امام (علیه السلام) داشته باشد ، مانند زوّار فقیر ، یا مصارف حرم آن امام (علیه السلام) از قبیل تعمیر و مانند آن ، و یا آنچه موجب تكریم و تعظیم آن امام (علیه السلام)است ، و احتیاط مستحبّ آن است كه ثواب آن را هم هدیه براى آن امام (علیه السلام) كند ، و همچنین است اگر چیزى را براى امامزاده اى نذر كند.**

**مكارم: رجوع كنيد به ذيل مسأله 2662.**

**سيستاني: مسأله- اگر براي پيامبر صلّي الله عليه و آله و سلّم يا يكي از ائمّه عليهم السلام يا يكي از امامزادگان يا علماي پيشين و مانند آنها چيزي را نذر كند، چنانچه مصرف معيّني را قصد كرده است بايد به همان مصرف برساند، و اگر مصرف معيني را قصد نكرده است بايد به مصرفي برساند كه نسبتي به آن حضرت عليه السلام داشته باشد، مثلاً بر زوّار فقير او صرف نمايد و يا به مصارف حرم او برساند و يا در امري كه موجب اعلاي نام اوست، صرف كند.**

**زنجاني: مسأله- اگر براي خود امام عليه السلام يا امامزاده اي چيزي نذر كند، چنانچه مصرف معيّني را قصد كرده، بايد به همان مصرف برساند و اگر مصرف معيّني را قصد نكرده ظاهراً اگر در اموري كه ارتباط خاصّي با امام عليه السلام يا با آن امامزاده دارد از قبيل عزاداري و جشن ولادت يا تعمير حرم آن امام عليه السلام يا امامزاده و مانند آن صرف كند كفايت مي كند و نيازي نيست قصد هديه آن امام را بنمايد، و اگر در مثل مسجد و پل مصرف كند و ثواب آن را به امام عليه السلام هديه كند، كفايت آن محلّ اشكال است.**

 **(مسأله 2665)هرگاه نذر كند كه اگر مريض او خوب شود، يا مسافر او بيايد عملي را انجام دهد، چنانچه معلوم شود كه پيش از نذر كردن، مريض خوب شده، يا مسافر آمده است، عمل كردن به نذر لازم نيست.**

**نذر طبق فتوای آیه الله العظمی خامنه ای دامت برکاته**

**تعریف  نذر:** ملتزم دانستن خود به اینکه عملی را برای خدا به نحو مخصوص انجام دهیم.

**شرایط انعقاد نذر**
**۱.** صیغه نذر: در انعقاد نذر، صرف نیت کافی نیست و ذکر صیغه لازم است؛ گرچه لازم نیست صیغه به عربی باشد؛ مثال: "لله علیّ ان اصلّی صلاة اللیل"؛ "برای خدا بر من است که نماز شب بخوانم" یا "لله علیّ ان اترک الغیبة"؛ "برای خدا بر من است که غیبت نکنم".
**مسئله**
منعقد شدن نذر با جملات زیر محل اشکال است:
 "نذرت لله ان اصوم"؛ "نذر کردم برای خدا اینکه روزه بگیرم".
 "لله علی نذر صوم یوم"؛ "برای خداوند بر من است نذر یک روز روزه".
لذا بنابراحتیاط، باید به نذر عمل شود و با ترک آن، بنابر احتیاط، کفاره تعلق می­‌گیرد.
**۲.** متعلق نذر(آنچه در نذر بیان شده انجام یا ترک آن) باید رجحان داشته باشد؛ چه واجب باشد و چه مستحب (از نظر انجام آن) و چه حرام باشد و چه مکروه (از نظر ترک آن)؛ مانند اینکه نذر کند روزه بگیرد یا زیارت برود یا نذر کند غیبت را ترک کند یا سیگار نکشد.
بنابراین در صورتی­که متعلق نذر، امر مرجوحی باشد، نذر صحیح نیست؛ مانند اینکه نذر کند سیگار بکشد یا غیبت کند. اما اگر متعلق نذر امر مباحی باشد، در صورتی­که جهت رجحانی در آن مدّ نظر باشد، نذر منعقد می­‌شود؛ مانند اینکه نذر کند غذا بخورد تا توانایی بر اطاعت خدا داشته باشد. اما اگر هیچ رجحانی نداشته باشد، نذر منعقد نمی­‌شود.
**۳.** باید متعلق نذر مقدور ناذر باشدو مشقت فراوان یا ضرر قابل توجه نداشته باشد؛ مثلاً کسی که روزه برایش ضرر دارد، نمی­‌تواند نذر کند که روزه بگیرد یا کسی­ که توان راه رفتن  ندارد، نمی­‌تواند نذر کند که با پای پیاده به کربلا برود.
**نکته**
ترجیح داشتن و عاجز نبودن هنگام فرارسیدن وقت عمل نذر نیز ملاک است. لذا اگر وقت عمل، متعلق نذر رجحان نداشت یا ناذر، عاجز از انجام آن بود یا برای او مشقت فراوان داشت، عمل به نذر واجب نیست.
**۴.** شخص نذر کننده باید بالغ، عاقل، دارای اختیار و دارای قصد باشد و همچنین اگر در مورد مال خود نذر کرده، محجور (مثل سفیه یا مفلس) نباشد.
**نکته**
انسان سفیه حتی وقتی­ چیزی را در نذر به عهده و ذمه بگیرد که جنبه مالی داشته باشد، اگرچه از عین اموال حال حاضر او نباشد، نذرش باطل است. اما شخص مفلس اگر چیزی را که جنبه مالی دارد، به عهده و ذمّه بگیرد، ولی در مورد عین یکی از اموال حال حاضرش نذر نکرده، ایرادی ندارد و نذر منعقد است.
**۵.** اگر زن به همراه شوهرش باشد، نذر زن بدون اذن شوهر، اگر چه در مورد اموال زن باشد، باطل است.
**مسئله**
۱. اگر ابتدا شوهر اذن دهد و پس از نذر، مانع شود، نذر واجب­الوفاء است.
۲. معنای لزوم اذن شوهر آن نیست که زن در اموال خودش اجازه تصرف ندارد. بلکه بدین معناست که نذر او واجب­الوفاء نیست.

**اقسام نذر**
**۱. نذر مشروط:** نذری است که معلق بر چیزی باشد. این نوع نذر به سه صورت است:
**الف)** به شکرانة نعمت دنیوی یا اخروی نذر کند.
مثال: اگر خداوند به من فرزند سالمی عطا کند، برای خدا بر من است که چهل فقیر را غذا دهم؛ در این مثال، اطعام فقیر متوقف بر داشتن فرزند سالم است که به شکرانة آن این نذر انجام می­‌شود.
**ب)** برای طلب دفع بلا و گرفتاری این نذر منعقد می­‌شود.
مثال: اگر خداوند پدرم را شفا دهد، برای خدا بر من است که چهل شب زیارت عاشورا بخوانم.
**ج)** نذر برای بازداشتن نفس از عمل محرم یا مکروه است.
مثال: اگر دروغ گفتم، برای خدا بر من است که یک فقیر را غذا دهم.

**۲. نذر مطلق:** نذری است که بر چیزی معلق نیست.
 مثال: برای خدا بر من است که ماه رجب را روزه بگیرم.
**مسئله**
۱. اگر آنچه را نذر کرده مقید به زمان یا مکان خاصی است، انجام آن در غیر آن مکان یا زمان کافی نیست.
۲. اگر فرضاً ده روز روزه نذر کند و معین نکند که پی­در­پی یا به صورت پراکنده باشد، به هر صورت انجام دهد اشکال ندارد.
۳. اگر مالی را نذر یکی از مشاهد مشرفه کند، باید صرف مصالح آن مکان شود. اما اگر مال را نذر یکی از ائمه (ع) یا اولاد آنها نماید، جایز است در هر کار خیر، اعم از صدقه به فقراء، ساخت و تعمیر مسجد، پل و .... صرف شود؛ با قصد اینکه ثواب آن به منذورله برگردد؛ هرچند مستحب است که صرف مخارج حرم و زائران و خادمان آن شود. البته اگر نذر مقید به مصرف خاصی است، باید طبق آن عمل شود.

**حکم تخلف از نذر**
۱. منذور مقید به زمان خاصی است:
الف) منذور روزه است قضای روزه واجب است و در صورت ترک عمدی کفارة حنث نذر نیز واجب می­شود.
ب) منذور نماز است بنابر احتیاط واجب، قضا واجب است و با ترک عمدی، کفاره حنث نذر نیز واجب می­شود.
ج) منذور غیر نماز و روزه است؛ مانند زیارت امام حسین (ع)در روز عاشورا قضا واجب نیست. ولی اگر عمداً ترک کرده باشد، کفاره واجب می­شود.
۲. منذور مقید به زمان خاصی نیست (نذر مطلق) جایز است تأخیر آن تا زمانی­ که گمان به فرارسیدن مرگش کند؛ در این صورت تأخیر آن جایز نیست. بنابراین حنث نذر در این قسم به این صورت است که در مدت حیاتش انجام ندهد.
**مسئله**
۱. در صورتی شکستن نذر موجب کفاره می‌شود که نذرکننده عمداً و با اختیار (نه از روی فراموشی یا اضطرار یا اکراه و تهدیدی) به نذر خود عمل نکند. (کفاره جای توبه را نمی‌گیرد).
۲.  اگر نذر کند هر پنجشنبه را روزه بگیرد، در صورتی­که بعضی از پنجشنبه­‌ها مصادف با عید فطر یا قربان شود، یا نذرکننده بیمار یا حائض شود و نتواند آن روز را روزه بگیرد، واجب است قضای آن را بجا آورد و این حکم در مورد سفر، احتیاط واجب است.
۳. در صورتی­ که نذر کرده روز خاصی را روزه بگیرد، جایز است به سفر رود؛ هرچند سفر برای او ضرورت نداشته باشد. اما بعد از آن باید روزه را قضا ­کند و کفاره­ای ندارد.
۴. شخصی نذر کرده هر پنجشنبه روزه بگیرد. در صورتی­ که یک پنجشنبه را روزه نگیرد:
الف) اگر هنگام نذر، منظورش تمام پنجشنبه‌­ها به عنوان مجموعه واحد بوده، به این معنا که اگر حتی یک پنجشنبه هم روزه نگیرد، مطلوب تأمین نشده است در این صورت به خاطر یک بار تخلف، نذر منحل شده و کفاره بر او واجب می­‌شود و هفته­‌های بعد، دیگر روزه واجب نیست.
ب) هر پنجشنبه جداگانه مد نظر است در این صورت در ازای هر پنجشنبه­‌ای که عمداً روزه نگیرد، یک کفاره واجب است.

**کفاره شکستن نذر**
اگر کسی حنث نذر کند، باید یا ده فقیر را اطعام کند یا آنان را لباس پوشاند و در صورتی­که مقدور نباشد، سه روز پیاپی روزه بگیرد.

**عجز ناذر از انجام منذور**
اگر ناذر، از انجام منذور (چه نذر مطلق و چه نذر مقید به زمان) عاجز شود، نذر منحل می‌شود و چیزی بر عهده ناذر نیست؛ مگر در مورد نذر روزه که در صورت عجز، باید در ازای هر روز، یک مد طعام به فقیر بدهد